

مقاله‌ی کوتاه

مجله‌ی علمی - پژوهشی شعرپژوهی (بوستان ادب) دانشگاه شیراز

سال سیزدهم، شماره‌ی اول، بهار ۱۴۰۰، پیاپی ۴۷، صص ۲۸۷-۲۹۸

DOI: 10.22099/jba.2020.37810.3833

سندی نویافته درباره‌ی سراینده‌ی سام‌نامه

رضا غفوری*

چکیده

سام‌نامه یکی از منظومه‌های پهلوانی درباره‌ی دلاوری‌های سام نریمان است که به تقلید از شاهنامه‌ی فردوسی سروده شده است. شناخت سراینده‌ی این منظومه و نیز دوره‌ی سرایش آن، یکی از مباحث پیچیده‌ی ادب حماسی ایران است. در برخی منابع متأخر، سام‌نامه را به خواجوی کرمانی، شاعر معروف سده‌ی هشتم نسبت داده‌اند و توجه به این نکته و نیز نام‌بردن از خواجو در ابیاتی از این منظومه که در اصالت آن‌ها تردید است، سبب شده که برخی محققان، سام‌نامه را سروده‌ی این سراینده بدانند؛ حال آنکه شمار دیگری از محققان، این انتساب را مردود دانسته‌اند. اخیراً یکی از پژوهشگران با بررسی نسخه‌های شبرنگ‌نامه و بر پایه‌ی عبارتی که در پایان یکی از دستنویس‌های آن آمده، این فرضیه را مطرح کرده که سام‌نامه سروده‌ی شاعری گمنام به نام خواجوی شاهنامه‌خوان کراتی است. در این مقاله نخست به بررسی آرا و نظریه‌های متفاوت پژوهشگران درباره‌ی گوینده‌ی سام‌نامه می‌پردازیم، سپس با آوردن ابیات پایانی یکی از دستنویس‌های این منظومه، نشان می‌دهیم که سراینده‌ی سام‌نامه همان خواجوی شاهنامه‌خوان است و این منظومه را در حدود قرن دهم سروده است.

واژه‌های کلیدی: خواجوی شاهنامه‌خوان، خواجوی کرمانی، سام‌نامه، همای و همایون.

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشکده حضرت نرجس، دانشگاه ولی عصر رفسنجان

reza_ghafouri1360@yahoo.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۵/۲۸

تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۴/۲۰

۱. مقدمه

یکی از نکته‌های مبهم و پیچیده در مطالعات حماسی ایران، مبحث شناسایی شاعر *سام‌نامه* و دوره‌ی سرایش آن است. معروف‌ترین نظری که درباره‌ی آن داده شده، انتساب این اثر به خواجه‌ی کرمانی شاعر قرن هشتم است. در تذکره‌ی *عرفات العاشقین* (۱۰۲۲-۱۰۲۴) در سرگذشت خواجه چنین آمده است: «از جمله اشعارش *همای و همایون* است که به *سام‌نامه* انحراف یافته و مشهور است» (اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹: ۱۳۲۴/۲). میرزا محمد رفیع متخلص به باذل (۱۱۲۳-۱۱۲۴) نیز در آغاز *حمله‌ی حیدری*، *سام‌نامه* را به خواجه نسبت داده است^۱ (رک. باذل، بی‌تا: برگ ۷پ) و از آنجاکه نام خواجه را پس از فردوسی و نظامی می‌آورد، پس از نظر ترتیب زمانی، اشاره‌ی باذل به خواجه‌ی معروف است. پس از باذل، آن‌چنان‌که یکی از پژوهشگران اشاره می‌کند تسکین شیرازی در سال ۱۱۸۹ق، صریحاً *سام‌نامه* را به خواجه‌ی کرمانی نسبت می‌دهد^۲ (رک. آیدنلو، ۱۳۹۲: ۵۷).

از میان خاورشناسان، اشپیگل نخستین کسی بود که *سام‌نامه* را سروده‌ی خواجه دانست (Spiegel, 1849: 252- 253). پس از او، ژول مول در *دیباجه‌ی شاهنامه*، به *سام‌نامه* بدون آن‌که از سراینده‌ی آن یاد کند، اشاره کرد و تنها نوشت که منبع آن، داستان‌های دوره‌ی ساسانیان است (رک. مول، ۱۳۵۴: ۴۰-۴۱). چندی بعد هرمان اته بدون آنکه به گوینده‌ی *سام‌نامه* اشاره کند، درباره‌ی آن نوشت: «فقط یک نوع جعل و تغییر صورت از منظومه‌ی *همای و همایون* خواجه‌ی کرمانی است و صرف‌نظر از بعضی نام‌های اشخاص، تقریباً با آن مطابقت کامل دارد» (اته، ۲۵۳۶: ۵۸) یان ریپکا نیز *سام‌نامه* را سرقت ادبی بی‌شرمانه‌ای از *همای و همایون* خواند و آن را متعلق به دوره‌ی تیموریان دانست (رک. ریپکا، ۱۳۸۳: ۲۳۶).

در میان پژوهشگران ایرانی، اگرچه سعید نفیسی *سام‌نامه* را در شمار آثار خواجه معرفی کرده با این‌حال در صحت انتساب آن به این شاعر تردید داشته است. نفیسی به دلیل اختلاف شمار ابیات *سام‌نامه* در دستنویس‌های آن، معتقد بود که این منظومه دارای دو روایت است (رک. نفیسی، ۱۳۰۷: ۶۵؛ همان، ۱۳۴۴: ۲۰۰). ذبیح‌الله صفا، *سام‌نامه* را

از آثار مسلم خواجه معرفی کرد (رک. صفا، ۱۳۵۴: ۱۳۳۸ و ۱۳۴۰؛ همان، ۱۳۶۹: ۳/ بخش دوم ۸۹۷-۸۹۸) و پس از او شمار دیگری از پژوهشگران نیز *سام‌نامه* را در شمار آثار خواجه دانستند (رک. نیرسینا، ۱۳۵۳: ۲۰۸-۲۰۹؛ رستگار فسایی، ۱۳۷۰: ۱۰؛ رزمجو، ۱۳۸۱: ۱/ ۱۳۲؛ برای دیدن تفصیل این نظریات، رک. *سام‌نامه*، ۱۳۹۲: بیست تا بیست‌وپنج) سرکاراتی نخستین کسی بود که این فرضیه را پیش کشید که شاید شاعری خواجه نام و نه خواجه‌ی کرمانی معروف، *سام‌نامه* را با بضاعت اندک سروده است (رک. سرکاراتی، ۱۳۷۶: ۲۲-۲۳؛ همچنین رک. امیدسالار، ۱۳۷۷: ۱۰۲). چندی بعد یکی از محققان درباره‌ی *سام‌نامه* چنین نوشت: «...گوینده‌ی آن ظاهراً کسی است از صنف نقالان و قصه‌خوانان و آشنا و مانوس با شاهنامه و گرشاسب‌نامه که دلبسته‌ی افسانه‌های عامیانه‌ی شفاهی است» (عابدی، ۱۳۸۸: ۵۷۱). رویانی، مصحح *سام‌نامه* نیز پس از ردّ انتساب *سام‌نامه* به خواجه، آن را تلفیقی از همای و همایون با برخی روایات عامیانه می‌داند که احتمالاً از قرن دهم به بعد روی داده است. از نظر او *سام‌نامه* سروده‌ی یک نفر نیست، بلکه هر نقالی به فراخور توان و ذوق خود، بخشی از آن را سروده و به متن افزوده است (رک. *سام‌نامه*، ۱۳۹۲: سی و چهار).

۲. نام خواجه در دستنویس‌های *سام‌نامه*

پیش از پرداختن به سراینده‌ی *سام‌نامه*، ضروری است به بررسی ابیاتی پردازیم که نام شاعر در آن آمده است. تا آنجاکه در شماری از دستنویس‌های *سام‌نامه* بررسی کرده‌ایم، نام خواجه در ابیات زیر آمده است:

که خواجه چو در عالم جان رسید چو از خود برون شد به جانان رسید
(نفیسی، ۱۳۰۷: ۶۵)

کسانی که در نیستی خو کنند ز هستی تبراً چو خواجه کنند
(*سام‌نامه*، ۱۳۱۹: ۱/ ۱۰۲)

که خواجه چو عیسی روان بخش باش جهانگیر گردون جهان بخش باش
(همان: ۲ / ۳۹۸)

سراینده خواجهوی موبدنژاد چنین کرد ماه از پی مهریاد
(سام‌نامه، ۱۳۹۲: ۱۵۲)

سرانجام خواجه شدش نامه ختم که فردوسی اش هست شهنامه ختم
(سام‌نامه، بی تا: ج ۱۳۱)

با بررسی این ابیات باید به نکته‌های زیر اشاره کرد:

الف. بیت‌های یکم تا سوم، از همای و همایون خواجه است (رک. خواجهی کرمانی، ۱۳۴۸: ۱۹، ۷۳ و ۲۳۹؛ همان، ۱۳۷۰: ۲۷۷، ۳۲۵ و ۴۶۶) که وارد برخی دستنویس‌های سام‌نامه شده است، بنابراین نمی‌توان هنگام بررسی سراینده‌ی سام‌نامه، به آن‌ها استناد کرد؛ زیرا هم سروده‌ی شاعر سام‌نامه نیست و هم در بیشتر دستنویس‌های این منظومه نیامده است. درخور یادآوری است که بیشتر کسانی که سام‌نامه را سروده‌ی خواجه دانسته‌اند به این ابیات استناد کرده‌اند (رک. خیابانی، ۱۳۹۷: ۱۱۴).

ب. بیت چهارم در چند دستنویس سام‌نامه، این‌گونه ضبط شده است: سخنگوی خواجهی آن مرد راد (سام‌نامه، بی تا: ه ۶۷)؛ سخنگوی دهقان فرخ‌نژاد (همان، بی تا: ب ۵۸، همان، بی تا: ج ۶۶، همان، بی تا: د ۴۸)؛ سخنگوی / همی‌گفت فردوسی پاک‌زاد (همان، بی تا: الف ۶۴؛ همان، بی تا: و ۲۹؛ همان، بی تا: ز ۷۸).

از آنجاکه این مصراع در چند دستنویس سام‌نامه که با هم خویشاوندی ندارند، با اختلاف بسیار ضبط شده است، پس به یقین نمی‌توان گفت که ضبط خواجه در این مصراع اصالت دارد و ضبط‌های دیگر، نتیجه‌ی دستبرد کاتبان است؛ زیرا چه‌بسا ضبط «دهقان فرخ‌نژاد» صحیح باشد که به تقلید از شاهنامه هم سروده شده است، اما بعدها کاتبانی که سام‌نامه را سروده‌ی خواجه تصور کرده‌اند، ضبط دهقان را که چندان هم مناسب حال خواجهی کرمانی عارف مسلک نبود، حذف کرده و به جای آن ضبط خواجه

را آورده‌اند. آمدن ضبط فردوسی نیز که در سه دستنویس دیگر آمده به این دلیل است که چون برخی کاتبان، هر منظومه‌ی پهلوانی را که به وزن *شاهنامه* بود، سروده‌ی فردوسی می‌دانستند، پس *سام‌نامه* نیز از این مقوله مستثنا نبود و برخی کاتبان با دست‌بردن در ضبط درست مصراع، آن را به فردوسی تغییر داده‌اند.

ج. اصالت و ساختگی نبودن بیت پنجم نیز محل تردید است؛ زیرا این بیت تنها در شمار اندکی از دستنویس‌های *سام‌نامه* آمده است و احتمال دارد که از افزوده‌های کاتبانی باشد که *سام‌نامه* را سروده‌ی خواجه‌ی کرمانی می‌دانستند و احتمالاً چون در دستنویس‌هایی که از آن رونویسی می‌کردند، ابیاتی درباره‌ی سراینده‌ی منظومه نبوده است، این بیت را به پایان منظومه افزودند تا بدین روش نام سراینده را هم مشخص کنند.

۳. بررسی سراینده‌ی *سام‌نامه*

پیش‌تر اشاره کردیم که بخش‌هایی از *سام‌نامه*، نوعی انتحال و سرقت ادبی از همای و همایون است. یکی از *شاهنامه‌شناسان* با توجه به سه بیت زیر که در پایان *سام‌نامه‌ی* چاپ سنگی آمده، می‌نویسد که گوینده‌ی *سام‌نامه* خود معترف است که سراینده‌ی اصلی داستان او، کس دیگری است و او تنها آن را آراسته است (رک. آیدنلو، ۱۳۸۸: ۲۹؛ همان: ۱۳۹۲: ۵۷):

چو این خسروی دیبه می‌دوختم چراغی ز دانش برافروختم
طرازش به طرز دگر ساختم جنیبت به مرز دگر ساختم
من آن نیستم کاین گهر سفته است کسی دیگر است این که این گفته است

(*سام‌نامه*، ۱۳۱۹: ۲/۳۹۷)

با این حال باید توجه داشت که این ابیات، سروده‌ی شاعر *سام‌نامه* نیست؛ بلکه از همای و همایون و سروده‌ی خواجه‌ی کرمانی است (رک. خواجه‌ی کرمانی، ۱۳۴۸: ۲۳۳؛ همان، ۱۳۷۰: ۴۶۰) و در واقع در شمار بیت‌هایی است که از آن منظومه وارد *سام‌نامه*

شده است؛ بنابراین سخن پژوهشگر اخیر درباره‌ی خواجه صدق می‌کند و نه سراینده‌ی *سام‌نامه*. پرسشی که به ذهن می‌رسد این است که منبع خواجه در سرودن *همایون* کدام اثر بوده است؟ مصحح *سام‌نامه* حدس می‌زند که احتمالاً خواجه بخشی از داستان‌های عامیانه را درباره‌ی سام گزینش کرده، اما به جای سام و پری‌دخت، از دو نام با مسما‌تر *همای* و *همایون* استفاده کرده است، اما بعدها کسانی که خواسته‌اند *سام‌نامه* را منظوم کنند با دیدن مشابهت روایات آن با *همای* و *همایون*، اسامی آن را به سام و پری‌دخت تغییر داده و داستان‌های دیگری نیز به آن افزوده و اثر جدیدی را با نام *سام‌نامه* پدید آورده‌اند (رک. *سام‌نامه*، ۱۳۹۲: سی و پنج). شایان ذکر است که حدس این پژوهشگر درخور تامل است و نیاز به پژوهش بیشتری دارد.

اکنون ببینیم که سراینده‌ی *سام‌نامه* کیست؟ برای پاسخ به این پرسش باید به شواهد نادر موجود نگریست. یکی از شواهد درخور توجه، عباراتی است که در پایان یکی از دستنویس‌های *فرامرزن‌نامه* که پیش از آن در *شبرنگ‌نامه* نیز کتابت شده، آمده است: «من کلام مولانا خواجه‌ی شاه‌نامه‌خوان کراتی غفرالله ذنوبه و نورالله قبره» (*فرامرزن‌نامه*، بی‌تا: ۲۵۲). ابوالفضل خطیبی بر پایه‌ی این عبارت و با بررسی و تطبیق دستنویس‌های *شبرنگ‌نامه*، چنین حدس می‌زند که شاعری گمنام به نام «خواجه‌ی شاه‌نامه‌خوان کراتی» دو منظومه‌ی *فرامرزن‌نامه‌ی کوچک* و *شبرنگ‌نامه* را انتحال کرده است؛ او همچنین درباره‌ی *سام‌نامه* می‌نویسد: «... تا یافت شدن مدارک و شواهد متقن، می‌توان این فرض را پیش کشید که در حدود قرن دهم هجری، شاعری به نام خواجه‌ی شاه‌نامه‌خوان کراتی که از لقب *شاه‌نامه‌خوان* او پیدا است دل‌بسته‌ی اشعار حماسی است، منظومه‌ی *سام‌نامه* را مرکب از *همای* و *همایون* خواجه‌ی کرمانی، با تغییر نام *همای* به *سام* و *همایون* به *پری‌دخت* و اشعاری دیگری درباره‌ی *سام* و *پری‌دخت* که در آن زمان در میان مردم رواج داشته است مدون کرده است» (خطیبی، ۱۳۹۵: ۶۵).

اگرچه خطیبی نتوانست برای اثبات حدس خود شاهدی بیاورد، اما سرانجام، نگارنده به دستنویسی از این منظومه دست یافت و توانست حدس این پژوهشگر را تأیید کند.

در پایان دستنویسی از این منظومه مورخ ۱۱۲۹ ق، مضبوط در کتابخانه‌ی ملی تبریز^۴، ابیات زیر آمده است:

نویسنده‌ی این کتاب نکو به گاهی که خوانی دعایی بگو
که خواننده را او دعا گفته است به وقتی که آن گوهران سُفته است
تو هم کن دعایی به آن نامراد که یابی ز خالق به زودی مراد
اگر هستی از نام او بدگمان بود خواجویش نام شهنامه‌خوان
من از عشق خود یافتم این سواد ندیدم معلّم، نه هم اوستاد
ز کس نکته‌ی درس نشنیده‌ام معلّم به خود نیز کم دیده‌ام
حیاتش اگر هست ایمانش ده وگر نه خلاصی ز یزدانش ده
هر آن‌کس که بر من کند این دعا به هر دو جهان یابد او مدعا
(سام‌نامه، بی‌تا: الف ۱۱۶)

آن‌چنان‌که می‌بینیم در بیت چهارم، شاعر به نام و لقب خود، خواجوی شاهنامه‌خوان اشاره می‌کند و بی‌تردید او همان خواجوی *شهنامه‌خوان* کراتی است که خطیبی در مقاله‌ی خود به وی اشاره کرده است. خواجوی کراتی گذشته از هنر *شاهنامه‌خوانی* که خود به آن اشاره می‌کند، شاعر نیز بوده و چه بسا اشعار *سام‌نامه* را نیز برای مردم می‌خوانده است. به شرط درستی این حدس، شاید بتوان به این پرسش پاسخ داد که چرا دستنویس‌های *سام‌نامه* از نظر شمار ابیات، با هم اختلاف فاحش دارند؟ احتمالاً گاهی شاعر *سام‌نامه* را به تفصیل برای مردم می‌خوانده و گاهی نیز بنابر محدودیت زمان، آن را خلاصه می‌کرده است. همین امر سبب شد که دستنویس‌هایی که در مجالس نقل، کتابت می‌شد دارای اختلاف در تعدد ابیات و حتی روایات بود.

نکته‌ی دیگر آنکه بنا بر ابیات پنجم و ششم، خواجوی کراتی در محضر هیچ استاد و معلمی درس نخوانده و آنچه را هم که آموخته بود از روی دلبستگی‌اش به خواندن و یادگیری بوده و ظاهراً همین امر سبب شده است که در منظومه‌ی او ابیات سست دیده

شود و شاید گنجاندن بیت‌های همای و همایون در منظومه‌ی خود و یا تغییردادن برخی ابیات آن، معلول همین کم‌سوادى و نداشتن آگاهی او به اصول شعر و شاعری بوده است. بر پایه‌ی منابع موجود، درباره‌ی تاریخ سرایش *سام‌نامه* نمی‌توان نظر قطعی داد، اما سندی در دست است که در محدوده‌ی بررسی‌های نگارنده، تاکنون محققان به آن اشاره نکرده‌اند و آن عبارتی است که مؤلف *احیاءالملوک* در کتاب خود آورده است: «... و از زمان نوزد، جهان پهلوان سام بود و شرح کارهای سام در *سام‌نامه*، مذکور السنه و افواه است که به چه عنوان به ختن رفته و فتح آن سرزمین نموده» (سیستانی، ۱۳۸۹: ۲۵). اشاره‌ی ملک‌حسین به *سام‌نامه*، بیانگر این نکته است که این منظومه سال‌ها پیش از تاریخ تألیف *احیاءالملوک* (۱۰۲۷ هجری) سروده شده و به چنان شهرتی رسیده بوده که حتی ملک‌حسین نیز در کتاب خود به شهرت آن اشاره می‌کند. اشاره‌ی *احیاءالملوک* به *سام‌نامه* و نیز برخی ویژگی‌های سبکی این منظومه، بیانگر آن است که به احتمال بسیار، *سام‌نامه* در قرن دهم و مقارن با حکومت شاهان نخستین صفوی سروده شده است.

از آنجاکه در *عرفات‌العاشقین* که زمان تألیف آن حدود سال‌های ۱۰۲۲-۱۰۲۴ ق است به این نکته اشاره می‌شود که همای و همایون خواجوی کرمانی به *سام‌نامه* اشتهاار یافته است، پس می‌توان گفت که دیر زمانی از سرایش *سام‌نامه* به دست خواجوی شاهنامه‌خوان نگذشته بود که تذکره‌نویسان و کاتبان، این منظومه را به اشتباه به خواجوی کرمانی نسبت دادند؛ زیرا آن‌چنان‌که خطیبی هم اشاره می‌کند دلیل این امر می‌تواند یکسانی نام دو شاعر (خواجو) و شباهت خطی نسبت آن‌ها (کرمانی، کراتی) و نیز شهرت خواجوی کرمانی نسبت به خواجوی شاهنامه‌خوان باشد (رک. خطیبی، ۱۳۹۵: ۶۴). ظاهراً کاتبان برای نسبت‌دادن *سام‌نامه* به خواجوی کرمانی، نخست ابیاتی را که خواجوی کراتی به سرگذشت خود اشاره می‌کند، از نسخه‌ها حذف کردند و سپس بیت‌هایی از همای و همایون را که در آن‌ها نام خواجو آمده بود به برخی دستنویس‌های *سام‌نامه* افزودند یا آنکه ابیات سستی را از خود سرودند و آن را در جای جای *سام‌نامه* وارد کردند.

۵. نتیجه‌گیری

درباره‌ی سراینده‌ی *سام‌نامه* اختلاف نظرهای بسیاری میان پژوهشگران وجود دارد. برخی *سام‌نامه* را سروده‌ی خواجه‌ی کرمانی شاعر معروف قرن هشتم می‌دانند و استدلال آن‌ها برای اثبات این فرض، وجود ابیاتی است که در آن‌ها نام خواجه آمده است حال آنکه، این ابیات یا متعلق به منظومه‌ی *همای* و *همایون* خواجه‌ی کرمانی است که وارد *سام‌نامه* شده یا بیت‌هایی است که چون در بیشتر دستنویس‌های *سام‌نامه* نیامده، احتمالاً اصلانی ندارد و ساختگی است. بر پایه‌ی ابیات یکی از دستنویس‌های کمتر شناخته‌شده‌ی *سام‌نامه* و نیز با توجه به عبارتی که در پایان یکی از دستنویس‌های *فرامرزنانه* آمده است، بی‌تردید سراینده‌ی *سام‌نامه*، شاعری گمنام به نام خواجه‌ی *شاهنامه* خوان کراتی است که ظاهراً در قرن دهم می‌زیسته است. اندکی بعد به دلیل مشابهت نام و نسبت این شاعر با خواجه‌ی کرمانی، کاتبان *سام‌نامه* را سهواً به شاعر اخیر نسبت دادند و به تدریج ابیاتی هم از *همای* و *همایون* را که در آن‌ها نام خواجه آمده بود، وارد دستنویس‌های *سام‌نامه* کردند و همین امر سبب شد که تا چندی پیش، برخی پژوهشگران این منظومه را به اشتباه سروده‌ی خواجه، شاعر عارف مسلک معروف قرن هشتم بدانند.

یادداشت‌ها

۱. در بیت زیر از *حمله‌ی خی‌ری* به خواجه اشاره شده است:
به سوی دگر خواجه آراسته ز سام نریمان مدد خواسته
(بازل، بی تا: ۷)
۲. تسکین شیرازی در ابیات زیر به *سام‌نامه‌ی* خواجه اشاره می‌کند:
ز تن گر روح خواجه شد ز کرمان به کرمان جسم او شد قوت کرمان
کنون مانده است اندر روزگارش کتاب سام‌نامه یادگارش

۳. آن‌چنان‌که در آغاز یکی از دست‌نویس‌های *سام‌نامه* چنین آمده است: «داستان سام نریمان من کلام فردوسی علیه الرحمه» (همان، بی‌تا: ب ۱).

۴. دوست فرهیخته و پژوهشگر، بهمن دمشقی خیابانی، تصویر این دست‌نویس را برای نگارنده فراهم نمودند که از ایشان صمیمانه سپاسگزارم.

منابع

- آیدنلو، سجاد. (۱۳۸۸). *متون منظوم پهلوانی*. تهران: سمت.
- _____ . (۱۳۹۲). «بررسی تصحیح جدید *سام‌نامه*». *کتاب ماه ادبیات*، شماره‌ی ۸۰، صص ۵۸-۶۵.
- اته، هرمان. (۲۵۳۶). *تاریخ ادبیات فارسی*. ترجمه‌ی رضا زاده‌ی شفق، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- امیدسالار، محمود. (۱۳۷۷). «بیان ادبی و بیان عامیانه در حماسه فارسی». *گلستان*، شماره‌ی ۱، صص ۸۵-۱۱۰.
- اوحدی بلیانی، تقی‌الدین محمد. (۱۳۸۹). *عرفات‌العاشقین*. به تصحیح ذبیح‌الله صاحبکاری و آمنه فخراحمد، تهران: میراث مکتوب.
- باذل. (بی‌تا). *حمله‌ی حیدری*. دست‌نویس کتابخانه‌ی ملی به شماره‌ی ۳۴۰۲۸-۵.
- تسکین شیرازی. (۱۳۸۲). *فلک‌نازنامه*. به کوشش سیدعلی آل‌داوود، تهران: توس.
- خطیبی، ابوالفضل. (۱۳۹۵). «سرقت ادبی سه منظومه‌ی پهلوانی در قرن دهم». *پژوهش‌های ایران‌شناسی*، سال ۶، شماره‌ی ۱، صص ۵۵-۶۸.
- خواجوی کرمانی. (۱۳۴۸). *همای و همایون*. تصحیح کمال عینی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- _____ . (۱۳۷۰). *خمسه‌ی خواجوی کرمانی*. تصحیح سعید نیازکرمانی، کرمان: دانشگاه شهید باهنر.

خیابانی، بهمن. (۱۳۹۷). «سام‌نامه». *دانشنامه‌ی فرهنگ مردم ایران*، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.

رزمجو، حسین. (۱۳۸۱). *قلمرو ادبیات حماسی ایران*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

رستگارفسایی، منصور. (۱۳۷۰). *برگزیده‌ی سام‌نامه*. شیراز: نوید.

ریپکا، یان. (۱۳۸۳). تاریخ ادبیات ایران. ترجمه‌ی ابوالقاسم سرّی، تهران: سخن.

سام‌نامه. (۱۳۱۹). به کوشش اردشیر بنشاهی، بمبئی: چاپخانه‌ی سلطانی.

———— (۱۳۹۲). به تصحیح وحید رویانی، تهران: میراث مکتوب.

———— (بی‌تا) الف. دستنویس کتابخانه‌ی ملی تبریز به شماره‌ی ۲۷۱۳.

———— (بی‌تا) ب. دستنویس کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی، به شماره‌ی ۸۶۴۹۸.

———— (بی‌تا) ج. دستنویس کتابخانه‌ی ملی پاریس به شماره‌ی Suppl. Pers 1025.

———— (بی‌تا) د. دستنویس کتابخانه‌ی آیت‌الله گلپایگانی قم به شماره‌ی ۲۱/۲۶.

———— (بی‌تا) ه. مندرج در *شاهنامه‌ی دستنویس کتابخانه‌ی برلین* به شماره‌ی Ms. or. fol.

359.

———— (بی‌تا) و. مندرج در *شاهنامه‌ی دستنویس کتابخانه‌ی هایدلبرگ* به شماره‌ی Cod.

Trübner 8

———— (بی‌تا) ز. مندرج در *شاهنامه‌ی دستنویس کتابخانه‌ی بریتانیا* به شماره‌ی Or 2926.

سرکاراتی، بهمن. (۱۳۷۶). «بازشناسی بقایای افسانه‌گرشاسب در منظومه‌های حماسی ایران». *نامه‌ی فرهنگستان*، شماره‌ی ۱۰، صص ۵-۳۸.

سیستانی، ملک‌شاه‌حسین. (۱۳۸۹). *احیاء الملوک*. به اهتمام منوچهر ستوده، تهران: علمی و فرهنگی.

صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۵۴). *حماسه‌سرایی در ایران*. تهران: امیرکبیر.

———— (۱۳۶۹). *تاریخ ادبیات در ایران*. تهران: فردوس.

عابدی، محمود. (۱۳۸۸). «سام‌نامه». *دانشنامه‌ی زبان و ادب فارسی*، ج ۳، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

فرامرزن‌نامه. (بی‌تا). دستنویس کتابخانه‌ی لایدن به شماره‌ی Ms. Acad.150. مول، ژول. (۱۳۵۴). *دیباچه‌ی شاهنامه*. ترجمه‌ی جهانگیر افکاری، تهران: سازمان کتاب‌های جیبی.

نفیسی، سعید. (۱۳۰۷). *نخلبند شعرا*. تهران: مؤسسه خاور.

_____ (۱۳۴۴). *تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی*. تهران: فروغی.

نیرسینا، هدایت‌الله. (۱۳۵۳). «سام‌نامه‌ی خواجوی کرمانی». به‌کوشش علی محمد صادقیان، *مجموعه مقالات چهارمین کنگره‌ی تحقیقات ایرانی*، ج ۱، شیراز: دانشگاه شیراز، صص ۲۰۱-۲۰۹.

Spiegel, Friedrich. (1849). "Die Sage von Sâm und das Sâm-nâme", *Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft*, Vol. 3, No. 2/3, pp. 245-261.